

# معماران معاصر یزد

بخش نخست

یزد را به عنوان کهن ترین شهر خشک خام می شناسیم. و ناگفته آشکار است، مردمانی که گذشته خود را می شناسند و پاس می دارند لحظه های حال را بهتر می سازند. خواسته علاقمندان میراث کهن به حفظ این گوهر گران بها در یزد که نسبت به دیگر شهرهای ایران بیشتر بافت خود را حفظ کرده است، نمی تواند بدون توجه به زیرساخت های تخصصی باشد.

بدون شک یکی از بهترین عواملی که می تواند بین ساختارهای جدید و گذشته این شهر تاریخی هماهنگی ایجاد کند، شناخت و بهره گرفتن از توانایی و تجربیات مهندسیین معمار موفق در دوره معاصر می باشد. انسان هایی که با علاقه و اشتیاق نه تنها به حصول دانش تئوری پرداخته بلکه بررسی و آموختن تجربه های معماران سنتی را نیز ادامه مکمل راه خود قرار داده تا آجر بر آجر این آثار به یادماندنی ای بیفزایند که به معنای واقعی کلمه معماری بومی محسوب می شود.

فصلنامه چیدمان با همکاری مهندس ایمان خواجه رضایی به مستندنگاری آثار و اندیشه های معماران معاصر یزد پرداخته و پس از بررسی معیارهای مختلف تلاش شد با چند تن از این اساتید گفتگویی داشته باشد. در این گفتگوها سعی بر آن رفته تا جهان بینی و نگرش آن هنرمندان به معماری و روند فعالیت ایشان را در صفحاتی مختصراً مکتوب شود، هرچند که سال های پرتلاش و پارساژه آن ها در این مجال نمی گنجد و بناهای پایدارشان نقشی جاوید در شهر یزدان است.

ترتیب قرار گرفتن مصاحبه ها لاجرم با منطق خطی نوشتار، براساس حروف الفبا می باشد و می دانیم که نام بزرگانی در این میانه نیامده است، چرا که فضای اندک ما و همچنین مشکلات ارتباط گیری سبب شد در این شماره تنها با شش معمار معاصر یزد آقایان سید محمد حسین آیت الهی، علی صادقیان، محمد حسن مسعودی، کاظم مندگاری، مسعود نبی میبیدی و محمد رضا نقصان محمدی گفتگو داشته باشیم و هم چنان شماره های دیگر فصلنامه به روی دیگر معماران ارجمند گشوده است. البته در همین جا باید از تمامی بزرگوارانی که برای مصاحبه وقت خود را در اختیار ما قرار داده اند، سپاسگزاری کنیم.



## زندگی سالم در شهری آرام

در گفتگویی با مهندس علی صادقیان

تهیه و تنظیم: مهندس ایمان خواجه‌رضایی، محبوبه آذرزاده، نیلوفر صالحی ابرقویی



نام پروژه: خانه مهندس صادقیان



نام پروژه: خانه دکتر برخورداری



نام پروژه: خانه تمدن

مهندس علی صادقیان متولد ۱۳۲۶ در شهر یزد است. که پس از گذراندن دبستان و راهنمایی در این شهر مابقی چگونگی ورود او به رشته تخصصی معماری از زبان خودش می‌شنویم:

وقتی به دبیرستان رفتیم، رشته طبیعی را شروع کردم، همچنین به کارهای دستی مثل کارهای چوبی، سیم‌کشی برق آشنایی داشتم و این قبیل کارها را خوب انجام می‌دادم در دبیرستان هم چون نقاشی‌ام خوب بود، به طوری که وقتی استاد طبیعی می‌خواست مثلاً مبحث چشم را تشریح و تدریس کند به من می‌گفت برو پای تابلو چشم را بکش. من هم برایش می‌کشیدم. ولی دوره دبیرستانم خیلی دوام نداشت، چرا که یکی از مهندسی‌ها که برای گذراندن دوره طرحش از اصفهان به یزد آمده بود، مشوق من شد تا به هنرستان بروم. به من گفت: "تو چرا به دبیرستان آمدی؟! گفتیم: "راهنمایی نداشتیم". این‌گونه شد که من به هنرستان رفتیم با اینکه هنرستان هم امتحان ورودی داشت و امتحان ورودی نداده بودم، گفتند که اشکالی ندارد و اینقدر کارت خوب است و هر رشته‌ای که می‌خواهی انتخاب کن، خدا رحمت کند آقای شمس‌الدین خرمی رئیس هنرستان- به من گفتند: "چه رشته‌ای می‌خواهی بروی؟" گفتیم: "بیشتر کارهای چوبی انجام داده‌ام." به همین علت من را به رشته درودگری فرستادند. یک ماه را آنجا بودم، دیدم آن چیزی که من می‌خواهم نیست. با مراجعه به آقای شمس به رشته ساختمان رفتیم و آن رشته را تمام کردم و در سال ۱۳۴۶ در کنکور هنر برای عالی که حالا دانشگاه علم و صنعت ایران شده است، قبول شدم. یکسال هم دانشجوی عمران بودم، زمانی که رشته معماری راه‌اندازی شد، آقای دکتر شاهی رئیس بخش ساختمان بود، از ایشان خواهش کردم

که من می‌خواهم به رشته معماری بروم و لطف ایشان شامل حال من شد و به رشته معماری رفتم و در سال ۱۳۵۳ با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شدم. با اینکه شرایط بورسیه شدن را داشتم ولی با ازدواجم و برگشتم به یزد از آن استفاده نکردم. وقتی هم یزد آمدم متأسفانه مهندس معمار خیلی کم بود، شاید تنها مرحوم مؤید علایی -شهردار یزد- مهندس معمار آن دوره محسوب می‌شدند و بر سر من دعوا بود که کجا مشغول شوم. در نهایت بنابه نظر استاندار که گفتند بهتر است این آرشیتکت بیاید استانداری تا در همه قسمت‌های استان فعالیت داشته باشد. مدتی در دفتر فنی استانداری مشغول کار بودم و بعد به‌عنوان شهردار یزد (سال‌های ۵۷-۱۳۵۶) انتخاب شدم و پس از چندی با توجه به یک سری مسائلی که پیش آمد استعفا دادم و برگشتم دفتر فنی استانداری، مدتی هم آنجا بودم و با به وجود آمدن مواردی تقاضای بازرخیدی کردم.

حدود سیزده سال در هنرستان‌های ارشاد و آموزش و پرورش؛ رشته‌های نقاشی، گرافیک و معماری تدریس کردم، سیزده سال هم در مراکز آموزش عالی مثل حضرت رقیه، شهید صدوقی، علمی-کاربردی، امام‌علی(ع) و... تدریس می‌کردم و اینک در کنار کاری که در دفترم انجام می‌دهم در حدود پنج سال است که در دانشگاه پیام‌نور تدریس می‌کنم. در مسابقه‌ای که در فرانسه (پاریس) برگزار شد، شرکت کردم و برنده مدال و دیپلم آکادمی بین‌المللی آرشیتکت‌ها شدم. از بدو تأسیس سازمان نظام مهندسی فعال و در سمت‌هایی از جمله رئیس سازمان خدمت کرده‌ام و فکر می‌کنم که اگر باید دینی ادا شود، ادا کرده‌ام و دیگر بس است!!! در حال حاضر عضو انجمن مفاخر معماری ایران هستم.

**چیدمان: پروژه‌هایی که تاکنون انجام داده‌اید:**

از ۱۳۵۳ که فارغ‌التحصیل شدم در طول این سال‌ها -یعنی حدود ۳۹ سال

است که مشغول کار هستم- پروژه‌های مسکونی زیادی را به سرانجام رسانده‌ام کارهایی چون؛ مسجد قبا در بلوار جمهوری، گسترش بخش سی‌سی‌یو بیمارستان سیدالشهدا(ع)، شعبات زیادی از بانک صادرات و بانک تجارت و ساختمان‌های تجاری، آموزشی، اداری و مذهبی (حسینیه آذربایجانی‌ها) را طراحی و اجرا نموده‌ام. مصاحبه‌های زیادی در رسانه‌های مختلفی چون رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها در خصوص معماری داشته‌ام. مسائل و مشکلات شهری را به هر شکل مطرح می‌کردم به‌عنوان مثال زمانی که می‌خواستند پل باهنر را احداث کنند در بیشتر رسانه‌ها به نوعی اعتراض خود را مبنی بر اینکه پل باید زیرگذر باشد نه پل هوایی اعلام کردم. حتی نقشه پل زیرگذر را که خودم در سال ۱۳۵۶ طراحی کرده بودم و خدمت آقای دکتر شاهی -تازه از انگلیس فارغ‌التحصیل شده بودند (شاید اولین شخصی که دکتری ترفیک داشتند و اولین رئیس دانشگاه یزد ایشان بودند)- بردم با ایشان صحبت شد و مورد تأیید قرار گرفت و نقشه در شهرداری موجود بود، ولی متأسفانه پل هوایی زده شد و خدا را شکر از آن به بعد ما پل هوایی در سطح شهر نداریم. معمولاً زیرگذر هم اقتصادی‌تر است و از نظر اجرا هم به نفع است چرا که آلودگی صوتی کمتری دارد. آن صدایی که در بالا می‌پیچید و پل هوایی با آن اشرافی که در بالا دارد به مغازه‌ها با شکل نازیباش لطمه وارد می‌کند.

**چیدمان: نظرتان درباره معماری امروز یزد و آنچه در شهر می‌بینید، چیست؟**

شهر یزد یک شهر هنری است، یعنی بعد از ونیز که زیباترین شهر دنیاست، به دنبال آن دومین شهر نمونه هنری یزد است؛ این شهر نمونه هنر را باید به یک شکلی نگه داشت، ولی متأسفانه این چنین نیست و روزبه‌روز به بی‌هویتی می‌رود و معمولاً کارشناسانی که باید رأس کار باشند، تخصص لازم را ندارند و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های مربوطه نیست.

حال این شهر نمونه هنر که دومین شهر دنیاست و اولین شهر خشت خام به‌خاطر سهل‌انگاری مسئولان دارد از بین می‌رود و اگر توجه مسئولان بود به این شکل در نمی‌آمد که الان می‌بینید. سیمای شهری ما را کامپوزیت پوشانده و هر کجا این موضوع را مطرح می‌کنیم باز فایده ندارد.

چند روز پیش در نظام مهندسی جلسه‌ای بود مسئولین شهرداری هم بودند و صحبت از زیباسازی شهر شد، گفتم: "معلوم است که چقدر به فکر زیباسازی شهر هستید نمونه بارز آن پل سرداران شهید در خیابان کاشانی است که آمده اند آن را با رنگ ترنجی رنگ‌آمیزی کرده‌اند و معلوم نیست که بر چه اساسی این رنگ انتخاب شده و چه زیبایی به شهر می‌بخشد. واقعاً آدم را آزار می‌دهد." در این شهر با این همه کارشناس متأسفانه چنین عمل می‌شود.

**چیدمان: نظر شما به‌طور خاص درباره توسعه جدید شهر و ساخت و سازهای آپارتمانی غیرهمساز با شرایط فرهنگی و اقلیمی چیست؟**

اگر بافت تاریخی شهر را به همان شکل زیبای آن حفظ کنند و بقیه را چون صفایه نکنند شاید بتوان امیدوار بود، اگر بیایند در داخل محدوده شهری همان سیستم قدیم اعمال شود و قسمتی را اجازه بدهند که آپارتمان‌سازی شود [نه اینکه مثل صفایه شود ولی جدا باشد] البته آپارتمان‌سازی شرایط خاص خودش را دارد و نمی‌شود شهر را بی‌خود گسترش داد، باید کارشناسی شده باشد. چراکه گسترش شهر ملزم به خدمات زیادی است. به ارتفاع رفتن ضوابطی دارد. اینکه در هر جایی و در هر قسمتی از شهر یک دفعه ساختمان چند طبقه احداث شود، پذیرفتنی نیست و نمی‌توانیم بگوییم که آپارتمان نمی‌خواهیم، آپارتمان لازم است ولی در جای خودش و با اصول خودش. گسترش شهر نیاز به خدمات دارد و این کار بدون اینکه بتوانیم خدمات ارائه دهیم بیهوده است و جالب نیست. از ابتدای خیابان کاشانی تا انتهای آن زمین‌های افتاده زیاد است، این زمین‌ها را شده‌اند و شهر را در اطراف بی‌رویه گسترش داده‌ایم. تقلید کورکورانه موجب گرفتاری و بی‌اصولی و ناهنجاری خواهد شد.

زمانی که شهردار یزد بودم، طرح جامع در حال تصویب شدن بود و می‌خواستند صفایه را جزو محدوده شهر شود و مخالفت علنی من مبنی بر اینکه نباید شهر بدون برنامه گسترش پیدا کند





و داخل شهر جای گسترش دارد، بی توجه ماند و به این مشکلاتی که امروز شاهد آن هستیم دچار شده ایم. حال چگونه می توان رفعتش کرد باید کارشناسی شود.

چندی پیش انتخابات شورای شهر را داشتیم چه کسانی به شورای شهر راه یافتند؟ کدامیک از آن ها کارشناس معماری یا مرتبط با آن مثل شهرسازی و مرمت و ترافیک هستند؟ هیچ کدام این ویژگی را ندارند. البته شاید در ابتدا گفته شود که قانون اشکال دارد، و ضابطه ای برای آن که چه کسانی می توانند کاندید شورای شهر شوند مشخص نشده است، دوم هرچه بازنشسته ارگان های دولتی داریم کاندید شورای شهر می شوند، آن هم بنا به دلایلی انتخاب می شوند. افراد نامتخصصی که وارد حوزه شورای شهر می شوند یا خودخواه هستند و یا بی جهت دلسوز، اگر من در کاری که تخصص ندارم دخالت کنم و یا اقدامی انجام دهم به نوعی جنایت کرده ام.

امروزه شهری ایده آل است که هم معماری مناسب و هم شهرسازی درست داشته باشد، چرا که با معماری کارشناسانه و نیز شهرسازی مناسب موجب آسایش و آرامش شهروندان خواهد شد. مدیریت شهری ایجاب می کند که شهر دارای نظام آراستگی باشد، باید کسانی تصمیم گیر باشند که معمولاً گروه اول متخصص و گروه دوم هم اگر متخصص نبودند به مشاوره گرفته شوند.

**چیدمان: نظر شما به عنوان یک متخصص معماری درباره بافت تاریخی یزد چیست؟ و به نظر شما آیا متولیان این حوزه تا به حال به درستی عمل کرده اند؟**

متأسفانه همه اتفاقاتی که رخ داده است، نظیر تخریب بافت تاریخی اطراف امامزاده جعفر و غیره ناشی از عدم توجه به کارشناس است و هیچکس حق ندارد بنابه خواسته خودش چنین کاری انجام دهد و کارها باید با نظر متخصص پیش برود. بافت شهر یزد به خاطر ارزش و مقام اول داشتنش باید حفظ شود. حفظ آن روش خاصی دارد. همه دنیا برای حفظ این ارزش و استفاده توریستی اقدامات مؤثری کرده اند، به عنوان مثال در فرانسه بافت قدیمشان را به قدری زیبا نگه داشته اند، که آدم دلش می خواهد در آنجا زندگی کند و همه جور امکانات رفاهی برای آن در نظر گرفته اند. اینجا هم باید به همین شکل باشد و می توانیم قسمت با ارزش بافت تاریخی را نگهداری و قسمت هایی که فاقد ارزش هستند را به همان فرم و فضای و شکل مناسب احیاء کرد. فضایی هم برای پارک و پارکینگ در نظر گرفت، این گونه است که دیگر بافت تاریخی مان مشکلی نخواهد داشت و بافت حفظ خواهد شد. حتی روی بافت فرسوده نیز می توانیم کار کنیم، بافت فرسوده می تواند به شکل واحدهای همسایگی ارائه شود فرضاً می توان بیست خانه ای که در بافت فرسوده هستند تخریب شود و تجمیع شوند و مجدداً طرح روی آن ها گذاشته شود و تفکیک شوند. و بعد اولویت را بدهند به کسی که خودش خانه ای داشته است اگر لازم نداشت آن وقت انبوه ساز آن خانه را می فروشد و سهم مالک را هرچه شده به او می پردازند. یا مالک می تواند به مادرش، خواهرش یا دوستش بفروشد که معمولاً خانه ای در یک طبقه داشته در حالی که الان می تواند سه طبقه را داشته باشد (زیرزمین، همکف و اول) و طبقات دیگر را به برادر، خواهر و... بفروشد و این باعث نزدیکی خانواده ها می شود و به تبع آن ترافیک شهری هم کمتر می شود.

پروژه ای با دانشجویان داشتیم که در مورد همین واحدهای همسایگی توی خیابان امام روبه روی حظیره طی سوآلی را که از کسبه داشتند که اگر این زمین به صورت مجموعه ساخته شود حاضر خواهند بود در آن زندگی کنند؟ گفتند: "بله چرا که دیگر برای رفتن به محل کار خود لازم نخواهد بود از ماشین استفاده کنیم." این خیلی مهم است و ترافیک به این شکل از بین خواهد رفت. این فکرها هست که باید بشود تا شهر از این وضعی که دارد بیرون بیاید و باید بافت های فرسوده همه به یک شکلی که توضیح دادم بازسازی شود و در اختیار مالکین قرار گیرد و واحدهای اضافی هم به هر شخصی که به آن ها نزدیک هستند و دوست دارند که همسایه اشان شوند، انتقال داده شود و همه آن مسائل شهری هم در کنار آن دیده شود، مجموعه بافت فرسوده تبدیل به یک بافت زیبایی بسیار عالی با عملکرد بسیار خوب خواهد شد.

**چیدمان: به نظرتان متولیان در این حوزه درست عمل کرده اند؟**

من آنچه را که دیده ام نپسندیدم و بهتر بود جور دیگری رفتار می شد و به همین دلیل خواهشم اینست که مسئولین محترم شهرداری که این طرح ها را مصوب می کنند، لاقبل با یک گروه کارشناس و مشاور همکاری کنند تا این اتفاقات ناگوار و نازیبا در شهرمان رخ ندهد.

#### حرف پایانی

حرف پایانی من اینست که شهر دارد از بین می رود، البته این حرف من تنها نیست. حتی گاهی مسئولان هم چنین می گویند و باید فکری به حال آن کرد. تنها راهش اینست که هم در اختیار کارشناسان بگذارند و هم پشتیبانی کنند. حداقل شهرداری از تعدادی کارشناس بهره گیرد یا اگر نمی تواند تأمین کند حداقل مشاورینی در رشته های مختلف با متخصص لازم را داشته باشد. همه این مسائل برمی گردد به مدیریت صحیح و اگر مدیریت صحیح داشته باشیم دیگر این مسائل و اتفاقاتی که الان رخ داده را شاهد نخواهیم بود. دلیل اینکه ما اکنون این همه بیمار قلبی، دیابتی و یا سرطانی داریم استرس است، که در اثر نداشتن فضای مناسب و دغدغه های شهری استرس به وجود می آید. اگر واحدهایی که طراحی می شود به گونه ای باشند که موجب آسایش خانواده ها شود. دیگر استرس که عامل اصلی بیماری هاست را نخواهیم داشت. وقتی استرس نداشته باشیم بیماری قلبی و دیابتی و سرطان را هم نداریم. آن وقت است که همه با هم زندگی توأم با لذت و سلامتی خواهیم داشت و شاهد این همه ناهنجاری های نامناسب نخواهیم بود.

باشد تا شهری آرام؛ زندگی سالم و در نهایت ایده آل را داشته باشیم. ■